

متن پرسش

استاد ارجمندم سلام و عرض ادب: چند سوال دارم که احتمالاً جوابش از آن نمی‌دانم های پر از دانستن است، همان هم موجب سکینه قلب ما می‌شود. ۱. چطور می‌شود شبهای فاطمیه در عزاداریهایی لاکچری با مداحان مشهور که بانیش مالکان اسنوا هستند شرکت کنیم و شب که به خانه برمی‌گردیم بنشینیم پای خندوانه و لودگیهای بشدت مسخره که انهم بانیش اسنوا هست؟ ۲. چگونه مالکان اسنوا با لابی های موجودشان در صدا و سیما، حمایت از مصرف کنندگان و بیت رهبری می‌توانند نامه ای مبنی بر ممنوعیت واردات، البته فقط کالاهای کره ای و صرفا لوازم خانگی بگیرند (که بسیار کار درستی است) جالب اینکه واردات لوازم الکترونیکی کره ای آزاد است!!!! ولی تمام لوازم زندگی خودشان خارجی است؟ چرا خودشان لندکروز ژاپنی استفاده می‌کنند؟ ۳. چطور می‌شود در طول حدود ۲۰ سال این همه ثروت بدست آورد؟ آیا وقتی یک نفر این همه ثروت بدست می‌آورد ربطی به فقیر شدن بخشی از جامعه نمی‌شود؟ ۴. اسنوا در گلستان شهدا موکب چای بر قرار می‌کند و در بنر پشت صحنه عکس بزرگی که خودش و پدر بزرگ مرحومش (مرحوم شیخ مهدی مظاهری) هست می‌زند، اینها چه ربطی به هم دارند؟ ۵. چرا سرمایه های مردم و امکانات دولتی در اختیار برخی قرار می‌گیرد و مالکان سیتی سنتر و... می‌شوند همه کاره فرهنگ و اقتصاد شهر؟ چرا چهره برگزار کنندگان روضه های آنچنانی با واعظان محترمی همچون آقای فاطمی نیا را باید در تلویزیون بعنوان متهمان مفاسد اقتصادی رویت کرد؟ ۶. چرا امکانات شهرداری در اختیار ۵ نفر قرار می‌گیرد و فروشگاه های بزرگی احداث می‌کنند و به بهانه ارزان فروشی ذائقه خرید و مصرف زدگی را بالا می‌برند، مردم را فقیر می‌کنند و طبقه ثروتمند جدیدی بنام کوثری ها درست می‌کنند؟ ۷. از ۱۰ سال گذشته تا به حال ۳ بار طرح ایستگاه های اتوبوس عوض شده، چرا با سرمایه های بیت المال چنین می‌کنند؟ (جالب اینکه دو مرتبه اش در زمان معاونت آقای قاسم زاده اتفاق افتاده) چرا شهرداری آنقدر از مردم پول می‌گیرد که نمی‌داند چکارش کند و مجبور می‌شود هر روز مثل دوچرخه های برادران افغان زیوری به شهر وصل کند؟ التماس دعا.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که می‌فرمایید ما هنوز تعریف درستی از حضور خود در این تاریخ نداریم. اکثر سؤالات جنابعالی، سؤالات امثال بنده نیز هست و سختی کار آنجا است که شاید همان لاکچری‌ها هم نمی‌دانند چه کار می‌کنند و صاحبان سیتی سنترها گمان می‌کنند در حال تحول فرهنگی

به سوی پیشرفت جامعه هستند که البته سخت در اشتباهند. بعضی از مسئولان از جمله آقای دکتر قاسمزاده هم نگران بعضی از کارهایی هستند که فرهنگ شهر را به سوی هرچه غرب‌زده‌شدن جلو می‌برند. به هر حال باید در این شرایط تاریخی و با توجه به تجربه چهل‌سال گذشته، فکر کرد. بنده به این نتیجه رسیده‌ام که با نظر به مبانی انسانی انسان جدید و تاریخی که تحت عنوان انقلاب اسلامی، به سوی ما آمده است باید به جهانی فکر کرد تحت عنوان «جهان بین دو جهان» و در این راستا سه کتاب اخیر تدوین شده است. هرچه هست باید افقی را مدّ نظر قرار داد که در آن به جهان دیگری فکر کرد، جهانی که امثال حاج قاسم‌ها را می‌پروراند. شاید ۱۶ نکته‌ای که تحت عنوان «حاج قاسم سلیمانی و معنای حضور تاریخی ما» در بنر سایت هست؛ متذکر افقی باشد که ما در گذرگاه «دیروز» و «فردا» باید مدّ نظر داشته باشیم. موفق باشید